



توراه اور • پاراشاها برآشیت • مامار 5

ולהבין בתוס' ביאור ענין וייצר ה' אלקים את...

برای فهم بیشتر و با توضیحی افزون تر درباره
موضوع «و نام چهار حرفی (ה', Havayah) و
نام אלקים (אלקים, Elokim) صورت داد...»



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی ییتسחק

LikuteiTorah.com

پاراشای حسیدی



/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/bereishis/5

1 ולהבין בתוס' [בתוספת] ביאור ענין וייצר ה' אלקים את האדם עפר מן האדמה ואח"כ ויפח באפיו נ"ח

برای فهم موضوع «و ה' אלקים، انسان را از خاک زمین صورت داد» با توضیحی افزون‌تر، و سپس «در سوراخ‌های بینی او نفیس حیات دمید»:

שהגוף שלו בתחלתו הי' [היה] בלא נפש עדיין והי' [והיה] דומם מעפר גשמי ואח"כ נתלבשה בו נפש חיה המדברת כו' משא"כ בשאר כל הנבראי' [הנבראים] צומח וחי שגופם ונפשם יצאו כא' [כאחד] מן הארץ כו'.

که پیکر او در آغاز هنوز روحی نداشت و از خاک مادی، بی‌جان بود؛ و پس از آن روح زنده و گویا در آن جای گرفت و غیره؛ حال آنکه در دیگر آفریدگان، یعنی نباتات و حیوانات، پیکر و روحشان با هم از زمین پدید آمدند و غیره.

הענין יובן בהקדם דכמו שיש בגשמיות ד' בחי' דצח"מ [דומם צומח חי מדבר]. ככה גם ברוחניו' [ברוחניות] נמצאים ד' בחי' אלו.

این موضوع با بیان مقدمه‌ای روشن می‌شود: همان‌گونه که در عالم مادی چهار مرتبه وجود دارد—جماد، نبات، حیوان و انسان ناطق—در عالم روحانی نیز این چهار مرتبه یافت می‌شوند.

2 ועד"מ בנפש האותיות הן בחי' דומם שאין בהם גידול כו' והמדות הן בחי' צומח שהרי התפעלות קטנה

בתחלתה מתלהבת אח"כ עד שתהי' [שתהיה] שלהבת עזה כו'

به‌عنوان نمونه، در نفس: حروف در مرتبهٔ جماد (דומם, domem) هستند و هیچ رشدی ندارند و غیره؛ و صفات عاطفی (מדות, middos) در مرتبهٔ نباتی (צומח, tzomeach) قرار دارند، زیرا برانگیختگی عاطفی که در آغاز اندک است، سپس شعله‌ور می‌شود تا به شعله‌ای نیرومند بدل گردد و غیره.

וצמיחותם הוא מן השכל כמו שהצומח גשמי הי' [היה] בתחלה צפון ושמון בארץ ואח"כ יוצא וצומח לחוץ כן המדות הם כלולים ונעלמים תחלה בשכל המולידם ואח"כ יוצאים בגילוי.

و رشد آنها از عقل است: همان‌گونه که گیاه جسمانی در آغاز در زمین پنهان و مدفون بود و سپس بیرون می‌آید و سر از خاک برمی‌آورد، به همین ترتیب، **مדות** نخست در عقلی که آنها را پدید می‌آورد، دربرگرفته و پنهان‌اند و سپس آشکار می‌شوند.

3 ובנמשל למעלה המל' נק' דומם וז"א דאצי' שהוא המדות נק' צומח

و در نظیر آن در بالا: فرمانروایی (מלכות, Malchus) «جماد» نامیده می‌شود، و صفات عاطفی (ז"א / זעיר אנפין, Z'eir Anpin) در عالم صدور (אצילות, Atzilus)، که همان صفات عاطفی است، «نباتی» نامیده می‌شود،

והיינו שצומח מן אימא עלאה שהוא בחי' השכל העליון שנק' בשם חי כמ"ש בחוה כי היא הית' [היתה] אם כל חי וגם החכ' [החכמה] נק' חיה כדכתיב והחכמה תחי' כו'.

یعنی از مادر برین (אימא עלאה, Imma Ila'ah) می‌روید؛ او مرتبۀ عقل برین است که «زنده» (חי, chai) نامیده می‌شود، چنان‌که دربارهٔ حوّا (חוה) آمده است: «زیرا او مادر همهٔ زندگان (חי) بود»؛ و حکمت (חכמה, Chochmah) نیز «زنده» نامیده می‌شود، چنان‌که نوشته شده است: «و حکمت حیات می‌بخشد...» و الی آخر.

4 ونמצא שהצומח עם החי הם סמוכים זל"ז [זה לזה] בלי דילוג והפסק מדריגה אחרת אמצעות ביניהן והם

מתאחדים ומתדבקים זב"ז [זה בזה] מצד עצמותן ומהותן

پس روشن می‌شود که جنبۀ رویشی و جنبۀ حیوانی به یکدیگر پیوسته‌اند؛ میان آن‌ها هیچ جهش یا فاصله‌ای نیست که مرتبۀ ای دیگر در میانشان حائل شود، و به واسطۀ ذات و ماهیت خود با یکدیگر یگانه و پیوسته‌اند.

שהרי מתחלה הי' [היה] הצומח כלול בחי ממש שהוא ענין העלם המדות בבחי' עבור בהשכל כולד הצפון בבטן האם דרך אמו הוא ממש

زیرا در آغاز، جنبۀ رویشی در خود جنبۀ حیوانی نهفته بود؛ این همان نهفتگی صفات عاطفی (مדות, middos) در عقل، به صورت جنینی است؛ مانند جنینی که در رحم مادر پنهان است و به معنای واقعی کلمه «ران مادر خویش» به شمار می‌آید؛

וגם אח"כ ביציאתן לחוץ עדיין צריכין לאמן הם בימי יניקה שהשכל מחי' ומגדל את המדות והוא קיומן ממש.

و حتی پس از آن، هنگامی که به بیرون می‌آیند، در روزهای شیرخوارگی هنوز به مادرشان نیاز دارند: عقل به صفات عاطفی جان می‌بخشد و آن‌ها را می‌پروراند، و خود مایۀ بقای آن‌هاست.

5 ולכן גם בגשמיו' [בגשמיות] במאמר תוצא הארץ נפש חיה יצא גוף הבהמות ונפשותן שהם בחי' צומח

וחי כאחד מן הארץ על היותן סמוכים ומתאחדים זע"ז [זה עם זה / זה על זה] גם בשרשן כנ"ל.

بنابراین، در عالم جسمانی نیز، به واسطۀ گفتار «زمین جانداران را پدید آورد»، بدن‌های حیوانات و جان‌هایشان، که به ترتیب از مراتب نباتی و حیوانی‌اند، با هم از زمین پدید آمدند؛ زیرا همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، در ریشۀ خود نیز به یکدیگر نزدیک و با هم متحدند.

משא"כ הדומם רחוק מן החי ביותר שהרי בחי' צומח מפסיק ביניהן. ועד"מ האותיות אין להם שייכות כלל להשכל שאינן כמו המדות שהם בערך וסוג קרוב עם השכל.

אما جماد از حیوان بسیار دور است، زیرا مرتبة نباتی میان آن دو فاصله می‌اندازد. برای نمونه، حروف هیچ ارتباطی با عقل ندارند؛ زیرا مانند صفات عاطفی نیستند که از نوع و مقوله‌ای نزدیک به عقل باشند.

וראוי הוא שיהי' [שיהיה] התהוות ההתפעלות מן השכל כמ"ש לפי שכלו יהולל איש. וע"כ הם סמוכים זל"ז [זה לזה] כנ"ל.

و شایسته است که هیجان عاطفی از عقل پدید آید، چنان‌که نوشته شده است: «مرد بر حسب عقلش ستوده می‌شود.» از این رو، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، این دو به یکدیگر نزدیک‌اند.

אבל האותיות הן הנה ממהות וסוג אחר כי הם גשמיים ממש ואין להם שייכות כלל למהות השכל (ועמ"ש"ל [ועיין מה שכתוב לעיל] בד"ה בכ"ה בכסליו גבי נרות וקטורת)

اما حروف از ماهیت و مقوله‌ای دیگرند، زیرا به‌راستی جسمانی‌اند و هیچ ارتباطی با ماهیت عقل ندارند (و آنچه را پیش‌تر در مامار آغازشونده با «در بیست و پنجم کیسلو» درباره‌ی چراغ‌ها و بخور نوشته شده است، بنگرید).

ולכן גוף האדם שהי' [שהיה] דומם וגולם נתהווה כמו שהוא בלא נפש החיונית כי לא יכלה נפש החיה כלל להתחבר עמו.

بنابراین، بدن انسان که جماد و توده‌ای شکل‌نیافته بود، همان‌گونه که بود، بی‌آنکه نفس حیوانی همراهش باشد پدید آمد؛ زیرا نفس حیوانی اصلاً نمی‌توانست با آن پیوند یابد.

אמנם אח"כ נתלבשה בו נפש האדם עם היותה בחי' מדבר שהוא למעלה בערך גם מן החי.

בاین‌حال، پس از آن، نفس انسان در آن جای گرفت، هرچند از مرتبة ناطق است که از حیث مرتبه حتی از حیوان نیز بالاتر است.

אבל הענין כי היא הנותנת שבבחי' שלמטה מטה ביותר א"א שירד וישפיל א"ע [את עצמו] שם רק מי שהוא גבוה בערך ביותר

اما مطلب این است که دقیقاً همین امر سبب می‌شود که به پایین‌ترین مراتب، جز آن‌که از حیث مرتبه بسیار بلندپایه باشد، هیچ‌کس نتواند فرود آید و خود را تا آنجا پایین آورد.

ולכן בגוף שמבחי' דומם היותר נמוך במדרגה נתלבשה נפש המדברת הגבוה מכולן משא"כ בצומח שלא נתלבשה בו רק נפש החיה.

بنابراین، در بدن متعلق به مرتبه جماد، که پایین‌ترین مرتبه است، نفیس ناطقه، که از همه آنها بالاتر است، جای گرفت؛ درحالی‌که در نبات فقط نفیس حیوانی جای گرفت.

רק שאותה הנפש יצאה כאחד עם הגוף אבל בדומם אינו כן שלא יצאה הנפש המדברת עמו כא' [כאחד] רק שאח"כ נתלבשה בו כו':

تنها آن نفس همراه با بدن پدید آمد؛ اما در مورد جماد چنین نیست، زیرا نفیس ناطقه همراه با آن پدید نیامد، بلکه پس از آن در آن ملبّس شد و الی آخر.

6 وביאור כל זה הנה יובן ע"פ ענין ההפרש שבין מלאכים לנשמות. כי הנה המלאכים נק' בשם חיות ובהמות כמ"ש פני ארי' [אריה] אל הימין לפני שור מהשמאל כו'.

برای روشن کردن همه این مطالب، این گفتار (مأמר) فرشتگان را با نفوس مقایسه می‌کند. فرشتگان به نام حیوانات، جانداران زنده (حיות، chayos) و بهایم (בהמות، behemos)، خوانده می‌شوند؛ چنان‌که نوشته شده است: «چهره شیر در سمت راست و چهره گاو در سمت چپ...» و غیره.

והם מורכבים ג"כ מגוף ונפש ונק' חומר וצורה כמו בני"א [בני אדם]. רק שההפרש ביניהם לבני"א [לבני אדם] הוא שגופם روحני יותר.

آنها نیز، همچون انسان‌ها، از بدن و روح ترکیب یافته‌اند که ماده و صورت نامیده می‌شوند؛ تنها تفاوتشان با انسان‌ها این است که بدنشان روحانی‌تر است.

7 וכמ"ש הרמב"ן [הרבי משה בן נחמן] ע"פ עושה מלאכיו רוחות משרתיו אש לוהט שמרוחניות שני היסודות אלו אש ורוח נעשה גופות המלאכים יש מהן שגויתם מבחי' רוח והוא כמו מחנה מיכאל ויש שמבחי' אש וכמו מחנה גבריאל כו'.

چنان‌که رامبان (רמב"ן) درباره آیه «او فرشتگانش را بادهای می‌سازد، و خدمتگزارانش را آتشی افروخته» می‌نویسد: جسم‌های فرشتگان از جوهر معنوی این دو عنصر، آتش و هوا، ساخته شده‌اند؛ برخی جسم‌هایی از مرتبه هوا دارند، مانند سپاه میخائیل (میخائیل)، و برخی از مرتبه آتش‌اند، مانند سپاه جبرئیل (گבריאל) و جز آن.

משא"כ גופות בני"א [בני אדם] הם מגשמייות ד' יסודות ארמ"ע [אש רוח מים עפר].

اما جسم‌های انسان‌ها از مادّیت چهار عنصر ساخته شده‌اند: آتش، هوا، آب و خاک.

אמנם הסבה לזה למה נתנו להם גופות רוחניות מלישראל. כי הנה תכלית הירידה בהשתלשלות העולמות הוא רק כמ"ש ולכבודי בראתיו כו' דהיינו להיות ביטול היש

اما علت این امر - اینکه چرا به فرشتگان جسمهایی معنوی تر از جسمهای اسرائیل داده شد - این است که هدف نزول در زنجیرهٔ نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) تنها همان است که نوشته شده: «و برای جلال خود او را آفریدم...»؛ یعنی آنکه «چیز» (יש, yesh؛ وجود جداگانه و متعیّن) خودنفی گری (ביטול, bittul) پیشه کند.

وזהו עיקר ענין עולם התקון יחוד והתכללות אורות וכלים שהן דרך כלל בחי' אין ויש

و این، نکتهٔ اساسیِ عالمِ اصلاح (תיקון, Tikkun) است: یگانگی و درهم آمیختگی نورها و ظرفها (אורות وכלים, Oros v'Keilim)؛ اینها به طور کلی مرتبه‌های «هیچ» (ayin, אין) و «چیز» (yesh, יש) هستند.

כי האורות הן בחי' הארו' והמשכות א"ס ב"ה והן בבחי' ביטול והכלים הם בחי' יש חו"ב [חכמה وבינה]
חו"ג [חסד וגבורה].

زیرا نورها مرتبهٔ تابش‌ها و فیضان‌های بی‌نهایتِ مطلق (אין סוף, Ein Sof)، که مبارک است، هستند و در حالتِ خودنفی‌گری‌اند؛ و ظرف‌ها مرتبهٔ «چیز» هستند: حکمت (חכמה, Chochmah) و فهم (בינה, Binah)، مهر (חסד, Chesed) و قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah).

8 **והנה בעולם התהו לא יכלו הכלים להכיל את האורות דהיינו שלא הי' [היה] היש נכלל ובטל אל האין**

اکنون، در عالمِ آشوب (תהו, Tohu)، ظرف‌ها نمی‌توانستند نورها را در خود جای دهند؛ یعنی «چیز» در «هیچ» مندرج نمی‌شد و در آن خودنفی‌گری (ביטול, bittul) نمی‌کرد.

ועיקר ענין התקון הוא להיות התכללות האורות עם הכלים וכן להיות התכללות חו"ג [חסד וגבורה]
שמאלא וימינא כו' שהוא בחי' ביטול היש לאין.

و اصلِ مفهومِ اصلاح (תקון, Tikkun) آن است که نورها و ظرف‌ها (אורות وכלים, Oros v'Keilim) با یکدیگر درآمیزند؛ و نیز مهر (חסד, Chesed) و قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah)، چپ و راست و جز اینها، با یکدیگر درآمیزند؛ و این همان **بیטול** «چیز» به «هیچ» است.

9 **וגם המלאכים יש להם עבודה זו לבטל היש והגוף שלהם ע"י נשמתם שהיא מבחי' אין ונלקחה מחיצוניות הכלים.**

فرشتگان نیز این خدمت را دارند: هستیِ مستقلِ خود، یعنی بدنشان، را به واسطهٔ روحشان به حالتِ خودنفی‌گری (ביטול, bittul) درآوردند؛ روحشان از مرتبهٔ «نیستی» است و از بُعدِ بیرونی (חיצוניות, chitzoniyyus) ظرف‌ها گرفته شده است.

וכן גם ישראל צריכין לבטל היש שהוא הגוף הגשמי שלהם ע"י נפשם האלקית שהיא בעצמה א"צ צריך / אינו צריך] תקון לפי שהיא בבחי' אין כו' ונלקח' מפנימי' [מפנימיות / מפנימיות] הכלי' [הכלים] הגבה למעלה / למעלה] ממקור מחצב נפשות המלאכים.

به همین ترتیب، اسرائیل نیز باید هستی مستقل خود، یعنی بدن جسمانی‌اش، را به واسطه نفیس الهی (نפש האלקית، Nefesh Elohis) به حالت خودنفی‌گری درآورد؛ نفسی که خود به هیچ اصلاحی نیاز ندارد، زیرا در مرتبه «نیستی» است و غیره، و از بُعد درونی (פנימיות، pnimiyus) ظرف‌ها گرفته شده است؛ بُعدی که بسیار بالاتر از سرچشمه‌ای است که نفوس فرشتگان از آن تراشیده شده‌اند.

10 ולכך יכולה להפוך ולכבש גם גוף גשמי משא"כ המלאכי' [המלאכים] אילו היה להם גוף גשמי לא היו יכולים להפכו כלל ולהיות בביטול היש אלא היו נופלים ממדרגתם לגמרי.

ازاین‌رو می‌تواند حتی جسمی مادی را دگرگون و رام کند؛ اما فرشتگان، اگر جسمی مادی داشتند، به‌هیچ‌وجه نمی‌توانستند آن را دگرگون کنند و به خودنفی‌گری (بیטול، bittul) وجود مستقل (היש، yesh) برسانند؛ بلکه یکسره از مرتبه خود فرو می‌افتادند.

רק נשמות האדם דוקא מצד מעלת נשמתם עלו במחשב' [בمחשבה / במחשבת] כו' יכולים להפוך גם גוף גשמי.

تنها نفوس انسان، به‌طور خاص، به‌واسطه والایی نفسشان – که «در اندیشه [ה'] برآمدند»، و الی آخر – می‌توانند حتی جسمی مادی را دگرگون کنند.

11 וכמשל מדורת אש גדולה שמאירה למרחוק יותר מקטנה כו'. ونמצא מובן עכ"פ [על כל פנים] שגוף ונפש של המלאכים הן קרובים בערך זל"ז [זה לזה] ונתהוו כאחד ממש ממקורם היא בחי' מלי' דאצי' שהיא אם כל חי דבי"ע

مانند مثال آتشی بزرگ است که روشنایی‌اش دورتر از روشنایی آتشی کوچک می‌رسد و مانند آن. در هر صورت، روشن می‌شود که بدن و جان فرشتگان از حیث مرتبه به یکدیگر نزدیک‌اند و حقیقتاً یک‌جا از سرچشمه‌شان پدید آمده‌اند؛ سرچشمه‌ای که مرتبه فرمانروایی (ملכות، Malchus) در عالم صدور (אצילות، Atzilus) است، «مادر همه حیات (חי، chai)» در [عالم] عالم آفرینش (בריאה، Beriah)، عالم صورت‌بخشی (יצירה، Yetzirah) و عالم عمل (عשיה، Asiyah).

שע"ז נאמר תוצא הארץ נפש חיה פי' ארץ העליונה שהיא המלי' תוצא נפש כל חיה הם המלאכים שנק' חיות ויצאו ביחד גופם עם נשמתם

در این باره گفته شده است: «زمین، موجودات زنده (نפש حיה, nefesh chayah) پدید آورد»؛ یعنی زمین برین، که فرمانروایی است، جان هر موجود زنده را پدید آورد؛ اینها فرشتگان اند که موجودات زنده (حיות, chayos) نامیده می شوند؛ و بدن هایشان همراه با جان هایشان پدید آمد،

כי הגוף שהוא בחי' צומח הוא אצל וסמוך לבחי' החי כנ"ל שהצומח הי' [היה] כלול בחי' בבחי' עבור כו':
زیرا بدن، که مرتبه نباتی است، در کنار و مجاور مرتبه حیوانی قرار دارد، چنان که پیشتر گفته شد که مرتبه نباتی در مرتبه حیوانی، به صورت جنینی، دربرگرفته شده بود و مانند آن.

12 וכמו"כ [וכמו כן] יובן גם למעלה יותר בחיון עלאין שהם האבות שהן הן המרכבה והיינו בבחי' אצי' והיו כלולים מתחלה ג"כ בבטן אימא עלאה בחי' עבור ואח"כ יצאו לגילוי.

و به همین سان، این معنا در مرتبه ای بالاتر نیز درباره موجودات زنده برین (حיון עלاین, chayos elyonim) فهمیده می شود؛ آنان پدران اند—«آنان همان ارباب اند»—یعنی در مرتبه عالم صدور (אצילות, Atzilus): آنان نیز در آغاز در رحم مادر برین (אימא עלאה, Imma Ila'ah)، در حالت جنینی، دربرگرفته بودند و سپس برای ظهور بیرون آمدند.

ואז הם בבחי' יניקה כו' והיינו ענין צומח וחי הסמוכים זה לזה שנמשכים זמ"ז [זה מזה] בדרך השתלשלות עו"ע [עילה ועלול] כו'.

و سپس در حالت شیرخوارگی هستند و الی آخر. و این همان مسئله گیاهی و حیوانی است که در کنار یکدیگرند و به واسطه زنجیره علت و معلول، از یکدیگر پدید می آیند و امتداد می یابند و الی آخر.

משא"כ בחי' הדומם שהיא בחי' המלי' היא מובדלת בערך מהם ואינה נמשכת בבחי' השתלשלות עו"ע [עילה ועלול] בדרך המשכת המדות מהשכל.

اما مرتبه بی جان، که مرتبه فرمانروایی (ملכות, Malchus) است، از حیث رتبه از آنان جداست و به واسطه زنجیره علت و معلول پدید نمی آید؛ برخلاف چگونگی امتداد صفات عاطفی (مדות, middos) از عقل.

כי מן החכמה ולמטה הוא בחי' השתלשלות עו"ע [עילה ועלול] חכ' [חכמה] ואח"כ בינה ואח"כ דעת עד שאח"כ נמשכים המדות כו'

زیرا از حکمت (חכמה, Chochmah) به پایین، زنجیره ای از علت و معلول برقرار است: حکمت، و سپس **بیנה**، و سپس شناخت (דעת, Daas)، تا آن که پس از آن صفات عاطفی امتداد می یابند و الی آخر،

עד בחי' המלי' ולא עד בכלל כי התהוות המלי' שהיא בחי' אותיות דבר ה' אינן מסוג וערך הבחינה שלמעלה ממנה עד שיתכן לומר שתהא נמשכת בדרך עו"ע [עילה ועלול]

تا مرتبة فرمانروایی، اما نه شامل آن؛ زیرا پدیدآمدن فرمانروایی، که مرتبة حروف کلام ه' است، از جنس و رتبة مرتبة بالاتر از خود نیست تا بتوان گفت که به واسطه علت و معلول از آن امتداد می یابد.

וכמשל האותיות הגשמיים שאינן מערך המדות והשכל כו' אלא שהתהוותן הוא מלמעלה יותר והיינו מעצמיות הנפש שקבועים בה כ"ב אותיות אלו.

این مانند حروف جسمانی است که از حیث رتبه هم سنخ صفات عاطفی و عقل نیستند و الی آخر؛ بلکه پدیدآمدنشان از مرتبه ای بالاتر است، یعنی از ذات خود جان، که این بیست و دو حرف در آن جای گرفته اند.

כי הגם דאחה"ע מהגרונ כו' היינו שהם באים ומתלבשים במוצאות אלו אבל שרשם בנפש כידוע ומבואר באגה"ק [באגרת הקודש] ע"פ ויעש דוד שם.

زیرا هرچند حروف گلو (אחה"ע, Alef, Ches, Hei, Ayin) از گلو هستند و الی آخر، مقصود این است که آنها از این جایگاه های آواسازی پدید می آیند و در آنها متلبس می شوند؛ اما ریشه شان در جان است، چنان که شناخته است و در Iggeres HaKodesh (آגרת הקודש) بر آیه «و داوود (דוד) نامی ساخت» توضیح داده شده است.

13 ולכן אותיות שויים יכולים להורות על ב' שכליים הפכים רק בשינוי הצרופים בהקדמת ואיחור אות זה מזה

بنابراین، همان حروف می توانند دو مفهوم متضاد را بیان کنند، صرفاً با تغییر ترکیبشان؛ یعنی با پیش یا پس آوردن یک حرف نسبت به حرفی دیگر،

אע"פ [אף על פי] שהן הן אותן האותיות ממש ויהיה שינוי גדול בההשכלה מהפוך להפוך כמו מאש למים שזהו חסד וזהו גבורה כו'.

با آنکه این ها دقیقاً همان حروف اند، تفاوتی بزرگ در مفهوم پدید می آید و از یک سر طیف به سر مخالف آن می رسد؛ مانند تفاوت آتش و آب - که یکی مهر (חסد, Chesed) است و دیگری قید و سخت گیری (גבורה, Gevurah)، و غیره.

14 והטעם מפני שבאמת גוף ועצם האותיות אין להם שייכות למהות השכל כלל עד שיתכן לומר שאותיות אלו שייכים לשכל זה דוקא ולשכל שכנגדו יצטרכו אותיות אחרים

دلیلش این است که در حقیقت، کالبد و جوهر حروف هیچ پیوندی با ذات عقل ندارند؛ به گونه ای که بتوان گفت این حروف مشخصاً به این اندیشه تعلق دارند و برای اندیشه مقابل، حروف دیگری لازم خواهد بود،

כדרך שהוא במדות שיש שכל נוטה כלפי חסד ואינו נוטה כלפי גבורה ויש שכל נוטה כלפי גבורה כו' לפי שהן נמשכים בבחי' השתלשלות עו"ע [עילה ועלול] כו'.

چنانکه در صفات عاطفی (مדות, middos) چنین است: اندیشه‌ای به مهر (חסد, Chesed) گرایش دارد و به قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah) گرایش ندارد، و اندیشه‌ای به قید و سخت‌گیری گرایش دارد، و مانند آن؛ زیرا آن‌ها به صورت زنجیره‌ای از علت و معلول امتداد می‌یابند، و مانند آن.

15 וכמו"כ [و כמו כן] למעלה התהוות האותיות אינו בהשתלשלות עו"ע [עילה ועלול]. וכמו שהמדות נמשכים מבינה כי אינם מערך זה כו'.

همچنین در عوالم بالا، پدیدآمدن حروف از طریق زنجیرهٔ علت و معلول نیست؛ نه به‌سان صفات عاطفی (مדות, middos) که از فهم (בינה, Binah) برمی‌آیند، زیرا حروف از این سنخ نیستند و جز این‌ها...

אבל מ"מ לזאת הנה יש בהם מעלה יתירה שהתהוות' הוא ממקו' יותר עליון שמשם דוקא הוא שיכול להיות השפלה זו להיות התהוות מדת המל'.

اما با این‌همه، از همین جهت برتری افزوده‌ای دارند: پدیدآمدنشان از جایگاهی برتر است؛ زیرا تنها از آنجا می‌تواند چنین فروآمدنی صورت پذیرد، یعنی صفت ملکوت پدید آید.

16 והוא מ"ש בחכמה יסד ארץ כונן שמים בתבונה שבחי' ארץ נמשכת מהחכמה דוקא שהיא למעלה משכל המושג הנק' תבונה שבו כונן שמים שהם המדות.

و این همان چیزی است که نوشته شده است: «با حکمت (חכמה, Chochmah) زمین را بنیاد نهاد؛ آسمان‌ها را با فهم دریافت‌پذیر (תבונה, Tevunah) استوار ساخت»؛ مرتبهٔ «زمین» به‌طور مشخص از حکמה امتداد می‌یابد، زیرا حکמה فراتر از عقل قابل‌فهمی است که تبונה نام دارد؛ و او با آن آسمان‌ها را استوار ساخت، یعنی همان صفات عاطفی.

אע"פ [אף על פי] דגם המדות נמשכים מחכ' [מחכמה] היינו ששם הוא מקורם אבל עיקר התהוותם להיות בהתחלקות כמו שהן עתה הוא מן התבונה.

هرچند صفات عاطفی نیز از حکמה امتداد می‌یابند، مقصود این است که سرچشمهٔ آن‌ها در آنجاست؛ اما بخش اصلی پدیدآمدنشان، به‌گونه‌ای که اکنون از یکدیگر متمایزند، از تبונה است.

כי החכמה נק' יו"ד שהיא למעלה מהתחלקות עדיין כנקודה שהיא בלתי מתחלקת כידוע והשפעת המדות משם הוא ג"כ בבחי' כללות

זیرא חכמה יוד (יו"ד, Yud) نامیده می‌شود؛ یودی که هنوز فراتر از تمایزهاست، مانند نقطه‌ای که تقسیم‌پذیر نیست، چنان‌که معروف است؛ و فیضان صفات عاطفی از آنجا نیز به صورت کلی و فراگیر است.

وهוא כדמיון חלק הבן שמהאב נמשך טפה א' לבד רק שהיא כוללת כל גופו אבל עיקר בנינו בגידול אבריו להיות בצیור פרצוף אדם בהתחלקות האברים הוא מהאם ע"י עבור בבטן האם.

این مانند سهم پسر است: از پدر تنها قطره‌ای واحد امتداد می‌یابد، اما همان قطره تمام بدن او را دربر دارد؛ ولی بخش اصلی شکل‌گیری او، یعنی رشد اندام‌هایش تا پیکری به هیئت انسان با اندام‌های متمایز، از مادر است و از راه بارداری در رحم مادر تحقق می‌یابد.

17 וכך הוא ית' כונן שמים שיהיו המדות מתכוננים היטב כפי שצ"ל בבחי' פרצוף הוא בתבונה דוקא

و بدین‌سان، او که متبارک است «آسمان‌ها را استوار ساخت»؛ یعنی صفات عاطفی (مדות, middos) چنان‌که باید، به‌خوبی استقرار یابند و صورتی کامل از پیکربندی (פרצוף, partzuf) پیدا کنند؛ و این کار مشخصاً به‌واسطه فهم تعمقی (תבונה, Tevunah) انجام می‌شود.

והיינו ענין עבור המדות בבינה ואח"כ יש ימי יניקה ומוחין כו' והוא ענין צומח וחי שהם סמוכים זל"ז [זה לזה] כנ"ל.

و این همان موضوع دوران جنینی صفات عاطفی (مדות, middos) در فهم (בינה, Binah) است؛ و پس از آن، روزهای شیرخوارگی و [دوران] قوای عقلانی و جز آن فرا می‌رسد؛ و این همان موضوع مراتب نباتی و حیوانی است که، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، در کنار یکدیگر قرار دارند.

משא"כ המל' הנה בחכמה דוקא יסודה ממש וכמ"ש בזוהר אבא יסד ברתא

اما فرمانروایی (מלכות, Malchus)، بنیادش مشخصاً بر خود حکمت (חכמה, Chochmah) استوار است؛ چنان‌که در زوهار (זוהר, Zohar) گفته شده است: «پدر (אבא, Abba) دختر را بنیاد نهاد.»

דהיינו שכמו שהחכמה נמשכת מאין ליש שלא בדרך השתלשלות. כך גם המלי' שהיא בחינת אותיות יש בזה בחי' זו במה שנמשכת ג"כ מבחי' אין שהרי עפ"י [על פי] השתלשלות לא היה ראוי להיות התהוות האותיות מהשכל או מהמדות כו'

یعنی همانگونه که حکمت (Chochmah) از نیستی به هستی پدید می‌آید، نه از راه زنجیرهٔ نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus)، فرمانروایی (Malchus) نیز که مرتبهٔ حروف است، همین ویژگی را دارد؛ زیرا آن هم از مرتبهٔ «نیستی» پدید می‌آید. چه، بر پایهٔ زنجیرهٔ نزولِ عوالم، شایسته نبود که حروف از عقل یا از صفاتِ عاطفی و جز آن پدید آیند.

(ומש"ל [ומה שכתוב לעיל] דגם חכמה נקרא חי' כמ"ש והחכמה תחיה היינו כי בחכמה יש ב' מדרגות בחי' אבא עלאה והוא יו"ד של שם הוי"ה ח"ע [חכמה עלאה] אבל בחינה ב' הוא נק' ישראל סבא ומרומז באות ה' כמ"ש במשנת חסידים מסכת או"א [אבא ואימא].

(و دربارهٔ آنچه پیش‌تر گفته شد که حکمت نیز «زنده» نامیده می‌شود، چنان‌که نوشته شده است: «و حکمت حیات می‌بخشد»، سبب آن این است که در حکمت دو مرتبه وجود دارد: مرتبهٔ پدر برتر (אבא עלאה)، که یוד (יו"ד, Yud) نام چهارحرفی (ה', Havayah)، یعنی حکمت برتر، است؛ اما مرتبهٔ دوم «یسرائیل سبابا» (ישראל סבא, Yisrael Saba) نامیده می‌شود و در حرفِ هی (ה') به آن اشاره شده است، چنان‌که در میثناس חסידים (משנת חסידים)، رسالهٔ پدر و مادر (אבא ואמא, Abba v'Imma)، آمده است.)

והנה בחי' ה' הוא בחי' מקור לבחי' חי כמ"ש [כמה שכתוב לעיל] שארבעה אותיות שם הוי"ה הן מקור בחי' דצח"מ [דומם צומח חי מדבר] לכך בחי' זו הב' דחכמה נקרא ג"כ חי וזהו והחכמה תחיה אבל בחי' ראשונה נקרא מדבר]

اکنون، مرتبهٔ هی سرچشمهٔ مرتبهٔ حیوانی است؛ چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، چهار حرفِ نامِ ה' سرچشمهٔ مراتبِ بی‌جان، نباتی، حیوانی و ناطق‌اند. ازاین‌رو، این مرتبهٔ دوم حکمت نیز «زنده» نامیده می‌شود؛ و این همان «و حکمت حیات می‌بخشد» است؛ اما مرتبهٔ نخست «ناطق» نامیده می‌شود.

ולכן אדה"ר [אדם הראשון] היה גופו דומם ממש. כי יש ב' מיני אדם.

ازاین‌رو، آدم نخستین (آدم הראשון) بدنی واقعاً بی‌جان داشت؛ زیرا دو گونه «آدم» وجود دارد.

א' הוא בחי' שם מ"ה [שם מ"ה] שנק' אדם כמ"ש כתפארת אדם לשבת בית שבחי' ת"ת [תפארת] שהוא כללות ז"א הנק' שם מ"ה [שם מ"ה] נקרא אדם.

یکی، مرتبة نام م"ה (שם מ"ה, Mah) است که «آدم» نامیده می‌شود، چنان‌که نوشته شده است: «چون زیبایی و هماهنگی (تפארת, Tiferes) انسان (אדם, adam)، برای سکونت در خانه؛ مرتبة زیبایی و هماهنگی (תפארת, Tiferes)، که کلیت / مجموع (כללות, klalus) صفات عاطفی (ז"א / זעיר אנפין, Z'eir Anpin) است و نام מ"ה خوانده می‌شود، «آدم» نامیده می‌شود.

18 ואמנם בחי' אדה"ר [אדם הראשון] היינו בחי' ח"ע [חכמה עילאה] שהיא ראשית האצי' ממש והוא בחי' שם ע"ב [שם ע"ב]. ולכן הוא דוקא שהיה גופו דומם.

اما مرتبة آدم، نخستین انسان (אדם הראשון)، همان مرتبة حکمت برین (חכמה, Chochmah) است؛ همان آغاز عالم صدور (אצילות, Atzilus)، و مرتبة نام ע"ב (Av) است. ازاین‌رو، مشخصاً بدن او بی‌جان بود.

כי בחכמה דוקא יסד ארץ שמהחכמה הוא שיכול להיות התהוות הדומם ואדרבה בדומם דוקא מתלבשת החכמה משא"כ בצומח שהרי כונן שמים הוא בתבונה בלבד.

زیرا «به واسطه حکمت، زمین را بنیاد نهاد»: از حکمت است که پدیدآمدن بی‌جان ممکن می‌شود؛ بلکه برعکس، حکمت به‌طور خاص در بی‌جان جای می‌گیرد؛ اما در مورد نباتی چنین نیست، زیرا «آسمان‌ها را برقرار ساخت» تنها «با فهم (تבונה, Tevunah)» است.

משא"כ נפש החי לא יכלה להתלבש בגוף שמבחי' דומם

اما نفیس حیوانی (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) نمی‌توانست در بدنی از مرتبة بی‌جان جای گیرد.

שהרי מהבינה לא יכול להיות רק בחי' השתלשלות בלבד עו"ע [עילה ועלול] והוא בחי' צומח ולא התהוות בחי' המל' הנקרא דומם שזה אינו אלא מח"ע [מחכמה עילאה] דוקא כו'.

زیرا از Binah فقط زنجیره‌ای از علت و معلول می‌تواند پدید آید؛ این همان مرتبة نباتی است، نه پدیدآمدن مرتبة فرمانروایی (מלכות, Malchus) که «بی‌جان» نامیده می‌شود؛ این مرتبه فقط از حکمت برین پدید می‌آید، و جز اینها.

וז"ש [وهو שכתוב] בבריאת האדם דוקא וייצר ה' אלקים בב' שמות. שבהן ועל ידן הוא התחברות החכ' [החכמה] עם המל' כו':

و این است علت آنکه مشخصاً درباره آفرینش انسان نوشته شده است: «و ה' אלקים (אלקים, Elokim) صورت داد؛» با دو نام. زیرا پیوند حکمت و فرمانروایی در آنها و به‌واسطه آنهاست، و جز اینها.

19 ונמצא מובן מכ"ז [מכל זה] עכ"פ [על כל פנים] בטוב טעם ודעת מה שנפש החיה יש לה גוף שמבחינת צומח

דוקא ונפש המדברת היותר עליונה יש לה גוף מבחינת דומם.

از مجموع این مطالب، دستکم بهروشنی و با دلیلی استوار درمی یابیم که چرا نفیس حیوانی پیکری از مرتبه نبات دارد، حال آنکه نفیس ناطقه، که برتر است، پیکری از مرتبه جماد دارد.

כי אדרבה היא הנותנת כי נשמה גבוהה היא שיכולה להתלבש בגוף נמוך דוקא כו'.

زیرا برعکس، همین امر اقتضا می کند: این نفیس بلندمرتبه است که می تواند به طور خاص در پیکری فرودست جای گیرد، و غیره.

וזהו בין למעלה ובין למטה כלומר בין בעולמות עליונים שיש שם דצח"מ [דומם צומח חי מדבר] והם בחי'

מלאכים הנק' בשם חיות ועופות כנ"ל כמ"ש פני אריה ופני שור ופני נשר כו'

و این مطلب هم در بالا و هم در پایین صادق است؛ یعنی هم در عوالم برتر، که در آنها جماد، نبات، حیوان و ناطق وجود دارد – و اینها جنبه هایی از فرشتگان اند که، چنان که پیشتر گفته شد، با نام های **חיות** (موجودات زنده؛ chayos) و پرنده گان خوانده می شوند؛ چنان که نوشته شده است: «چهره شیر و چهره گاو و چهره عقاب...» و غیره –

ויש שם בחינת מדבר. ونשמת אדה"ר [آدم הראשון] כולל כל נש"י [נשמות ישראל] כו'. וכולם נולדים מהארץ

שהיא מל' דאצילות.

و در آنجا مرتبه ناطق نیز وجود دارد. نفیس آدم نخستین (**آدم הראשון**) همه نفوس اسرائیل را دربرمی گیرد، و غیره. و همگی از «زمین» زاده می شوند؛ زمینی که فرمانروایی (**ملכות**, Malchus) در عالم صدور (**אצילות**, Atzilus) است.

20 והנה במאמר תוצא הארץ נפש חיה ועוף יעופף שהוא ענין התהוות נפש החיה אזי הגוף שלה יצא

כאחד עם הנפש דהיינו שהיה הגוף בחינת צומח ויצא ביחד עם הנפש.

اکنون، در گفتار «زمین موجودات زنده را پدید آورد... و پرنده گان پرواز کنند...»، که ناظر به پدید آمدن نفیس حیوانی است، بدن آن همراه با نفس پدیدار شد؛ یعنی بدن در مرتبه نباتی بود و همراه با نفس پدیدار شد.

והיינו מפני שגם הנפש נלקחה מחיצוניות הכלים דמל' לכן גופו ג"כ روحני והוא בחי' צומח כו'.

این از آن روست که نفس نیز از بُعد بیرونی (**חיצוניות**, chitzoniyus) ظرف های **ملכות** گرفته شده بود؛ بنابراین بدن آن نیز روحانی است و در مرتبه نباتی قرار دارد، و جز اینها.

אבל נפש המדברת של האדם לא נהווית ביחד עם הגוף רק שאח"כ מתלבשת בגוף דומם דוקא היותר נמוך.

אما نفیس ناطق انسان همراه با بدن پدید نیامد؛ بلکه پس از آن، مشخصاً در بدنی بی جان – که پست‌ترین مرتبه است – متلبس می‌شود.

כי להיותה בעצמה עליונה ביותר ע"כ יכלה לסבול גם גוף גשמי כו'

زیرا چون خود آن بسیار برتر است، از این‌رو حتی بدنی جسمانی را نیز می‌توانست تاب آورد، و جز اینها.

(وكم"ש ג"כ במ"א שזהו ענין ההפרש בין זיווג נשיקין שממנו התהוות המלאכים שהוא רוחני ביותר. ומ"מ הוא רק השפעה חיצונית ולכן לא יכולים להתלבש בגוף גשמי. אבל זיווג גופני שממנו נשמות עם היותו השפעה גשמית אבל שרשו בפנימי [בפנימיות / בפנימית] דייקא וע"כ מתלבשים בגופות כו')

(چنان‌که در جای دیگری نیز آمده است که این همان تفاوت میان «پیوند بوسه‌ها»ست که فرشتگان از آن پدید آمدند، پیوندی که بسیار روحانی است و با این‌حال فقط تأثیری بیرونی است؛ از این‌رو آنان نمی‌توانند در بدنی جسمانی متلبس شوند؛ و پیوند جسمانی است که نفوس از آن [پدید می‌آیند]؛ هرچند تأثیری جسمانی است، ریشه‌اش مشخصاً در بُعد درونی (فنیמיות، pnimiyus) است و از این‌رو نفوس در بدن‌ها متلبس می‌شوند، و جز اینها.)

ובין למטה דהיינו בהתהוות דצח"מ [דומם צומח חי מדבר] גשמיים מהארץ הלזו שנפש החיה יצאה מהארץ ממש

و در پایین نیز [چنین است]؛ یعنی در پدیدآمدن جماد، نبات، حیوان و ناطق جسمانی از این زمین: نفیس حیوانی از خود زمین پدید آمد.

דהיינו שחומר וצורה של החי שהוא ענין נפשו החיונית וגופו יצאו שניהם מן הארץ כמו שיצא הצומח בחומר וצורה שלו ויצאו שניהם כא' [כאחד] להיות סמוכים וקרובים בערך כנ"ל.

یعنی ماده و صورت حیوان، که عبارت است از نفیس حیاتی و بدن آن، هر دو از زمین پدید آمدند؛ همان‌گونه که نبات با ماده و صورت خود پدید آمد؛ و هر دو با هم پدید آمدند و از حیث مرتبه مجاور و نزدیک‌اند، چنان‌که پیش‌تر گفته شد.

אבל במדבר אינו כן כנ"ל שהגוף נהווה מן הארץ בבחי' דומם ואח"כ נתלבשה בו נפש מלמעלה והיא הנפש המדברת שלא יכלה לשכון בבחי' צומח רק בדומם גשמי כו'.

اما در مورد ناطق چنین نیست، چنان‌که پیش‌تر گفته شد: بدن از زمین در مرتبه جماد پدید آمد و پس از آن، نفسی از بالا در آن متلبس شد؛ و آن نفیس ناطق است که نمی‌توانست در مرتبه نباتی ساکن شود، بلکه فقط در جمادی جسمانی، و جز اینها.

**והיינו כי גם למעלה מעלה בבחי' אצי' הוא כמו"כ [כמו כן] שהחי מתלבש בצומח והם סמוכים כאחד
وهוא מ"ש כונן שמים בתבונה וארץ יסודתה בהררי קדש ח"ע [חכמה עילאה] כו':**

و این از آن روست که حتی در مراتب بسیار بالاتر، در عالم صدور (אצילות, Atzilus)، نیز همین‌گونه است: حیوان در نبات پوشیده است و آن دو چون یکی در کنار هم‌اند. و این همان است که نوشته شده است: «او آسمان‌ها را با فهم (תבונה, Tevunah) استوار ساخت»؛ و زمین - «بنیادش در کوه‌های مقدس است»؛ [یعنی] حکمت برین (חכמה, Chochmah) و غیره.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

[/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/bereishis/5](https://likuteitorah.com/fa/torah-ohr/bereishis/5) از

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک